

نشست نقد و بررسی کتاب تابستان ۱۳۶۹

مرتضی سرهنگی: اسیران ما هنوز هم کابوس می بینند!



درجه داری داشتیم که با ما کمی آرام بود؛ گفت چرا قرآن می خوانید؟ افسر مافوق من گیر می دهد ... حلو را تعارف کردیم، خورد و گفت چقدر خوشمزه است! ما تصمیم گرفتیم یک هفته مراسم ختم و عزای بگیریم و حلو بدهیم. آن نگهبان بقیه افسران را می آورد که حلو بخورند. من هم به آنها گفتم مگر چقدر نان به ما می دهید که این همه حلو از ما طلب دارید؟! اصلا حواس شان نبود که ما چطور در سلول توانسته ایم حلو درست کنیم. وی افزود: به صراحت می گویم واقعا یعنی ها با همه آزار و اذیتی که داشتند، اسیر دست ما ایرانی ها بودند. سرگردی که ما را به مرز می آورد گفت ما داریم از شر شما راحت می شویم! خیلی خسته می شدند چون نمی توانستند ما را بشکنند. من و یکی از دوستانم در اسارت خیلی شکنجه می شدیم. دوست من، هر دو دستش فلج شده بود ولی وقتی ما را می زدند شروع به خنده می کردیم و جوک می گفتیم. این رفتارها بعضی ها را عصبانی می کرد.

✚ **محبوبه عزیزی:** ۷۲۰ عنوان کتاب خاطرات از آزادگان به جا مانده است در ادامه نشست، محبوبه عزیزی که مرتضی سرهنگی را در تدوین این کتاب یاری رسانده بود در سخنانی گفت: ۱۵ سال است که کتابدار کتابخانه تخصصی جنگ در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی هستم. طبق بررسی هایی که داشتیم، ۷۲۰ عنوان کتاب خاطرات از آزادگان گران قدر به جا مانده که بخش کوچکی از آن برای خانم های اسیر است که همه خانم ها خاطرات شان را مکتوب کرده اند.

وی افزود: بخش منحصر به فردی هم مربوط به مکتوب شدن خاطرات اسرای عراقی در ایران است که طبق آمار ۷۰ عنوان کتاب از این دست، منتشر شده است. عزیزی ادامه داد: نیمه دوم سال ۹۸ این کار را شروع کردیم و ۳۶۰ عنوان کتاب های خاطره اسارت را بررسی کردیم و برش زدیم. از بین این آثار به ۱۵۰ عنوان رسیدیم و نهایتا ۴۰ خاطره را انتخاب کردیم. وی در مورد ویژگی های کتاب تابستان ۱۳۶۹ نیز گفت: این کتاب، دربردارنده قطع شدن زندگی از مسیر متداول است و آینده اسیر در آن روشن نیست.

دادن الگوی معرفتی مشترک بر باور دفاعی بودن جنگ از دیگر ویژگی ها بود. در مجموعه این خاطرات نگاه به جنگ و اسارت به عنوان یک موقعیت انسانی مورد توجه بوده است. کتاب هایی مثل این کتاب، خاطرات را با پایان باز می گویند تا در قالب های دیگر هنری هم قابل پروازند باشند.

✚ **مرضیه یگانه:** نویسنده در این نشست ها با نظرات مخاطب اصلی آشنا می شود مرضیه یگانه، مدیر کتابخانه مرکزی پارک شهر تهران نیز در پایان این نشست گفت: این بیستمین جلسه نقد کتاب است و نویسنده در این نشست با نظرات مخاطب اصلی که مردم کتابخوان هستند، آشنا می شود و باید از اعضای که پیگیر هستند و کتاب ها را با دقت می خوانند، تشکر کنیم.

نشست نقد و بررسی کتاب تابستان ۱۳۶۹ با حضور مرتضی سرهنگی، نویسنده و سردار گلعلی بابایی به عنوان منتقد در کتابخانه مرکزی پارک شهر تهران برگزار شد. در این نشست، آزاده سردار علی اصغر گرجی زاده نیز به بیان خاطراتی پرداخت و برخی دیگر از حضار، نظرات شان را درباره این کتاب، بیان کردند.

✚ **مرتضی سرهنگی:** اسیران ما هنوز هم کابوس می بینند! مرتضی سرهنگی نیز در این نشست گفت: در این کتاب ها یک نگاه هست که اسیران ما تقریبا با این که سال ها آزاد شده اند اما هنوز هم کابوس می بینند ولی به روی شان نمی آورند.

وی افزود: خانم لشکری در کتاب خاطراتش می گوید: حسین هرشب سیگار می کشید چون کابوس می دید و نمی توانست بخوابد. شبی خیلی سیگار کشیده بود و می گفت کابوس دیدم که عراقی ها به اتاق خواب ما آمده بودند! یک بار از خانم معصومه آباد پرسیدم شما هم هنوز کابوس می بینید؟ گفت من الان دکتر هستم، دختر و داماد دارم و عضو شورای شهرم اما فکر می کنم اینها خواب است و اگر بیدار شوم، هنوز هم در سلولم. این کابوس ها دست از سر چپه ها برنمی دارد اما خیلی های شان چیزی نمی گویند.

سرهنگی تأکید کرد: برعکسش در مورد اسرای عراقی در ایران بود. من در روزنامه ناهار نمی خوردم و به اردوگاه حشمتیه می رفتم چون ناهار بهتری داشتند! بچه های ما تاوان سختی را در اردوگاه های عراقی دادند که هنوز هم رو نشده. امیدوارم تا زنده هستم در این مسیر کار کنم و حرف های آنها را به گوش مخاطب ها برسانم. در سیمای یک سرباز، چهره یک ملت دیده می شود. هرچقدر سربازها قوی باشند، ملت قوی تر خواهد بود.

✚ **گلعلی بابایی:** عراقی ها می گفتند ما اسیر شما بودیم! سردار گلعلی بابایی نیز در این نشست با اشاره به کتاب تابستان ۱۳۶۹ گفت: بخش «درباره این خاطره» خیلی به مخاطب کمک می کند و کاش این بخش را ابتدای مطلب می آمد.

وی افزود: در بحث باورمندی، واقعا در بین اسرای ما این نقل وجود دارد که عراقی ها می گفتند ما اسیر شما بودیم. درباره مرحوم ابوترابی می گویند که وقتی نماینده صلیب سرخ به اردوگاه می آید، فرمانده اردوگاه می ترسد که شکنجه ها را لو دهد و مرحوم ابوترابی بعدا می گوید من مسلمانم و نمی توانم تو را به عنوان یک مسلمان به او که مسلمان نیست، لو بدهم.

✚ **سردار علی اصغر گرجی زاده:** سرگردی که ما را به مرز می آورد گفت داریم از شر شما راحت می شویم! سردار علی اصغر گرجی زاده در بخشی از این نشست گفت: در روزنامه جمهوری اسلامی و سال ۷۰ که از اسارت هم آزاد شده بودیم پیشنهاد نوشتن خاطرات به من داده شد. به نظرم خاطرات ما یک اثری است که باید به نسل بعدی برسد. من قانع شدم که باید خاطراتم به وراثت بعدی برسد. رنج ها و شادی های ما برای یک ملت است و باید بی کم و کاست به دست آنها برسد.

این آزاده سال های دفاع مقدس ادامه داد: در دوران اسارت، تلخی های زیاد و شیرینی های زیادی داشتیم. خبر ارتحال امام باعث خوشحالی بعضی ها بود و ما با شنیدن این خبر، خرد شدیم. مادر زندان الرشید پنج نفر و در دو سلول بودیم. گفتیم باید برای حضرت امام مراسم ختم بگیریم. یکی شروع کرد به قرآن خواندن. در زندان نان صمون هم می دادند. باخمیر این نان ها و با شیرینی چای هایی که به ما می دادند، حلو درست کردیم. نگهبان



میثم رشیدی
مهرآبادی
روزنامه نگار



محمد رضا
خراسانی زاده
نویسنده

✚ **دوران بعد از شهادت امام حسن عسکری (ع) و آغاز غیبت صغری، یکی از پرتنش ترین زمان ها برای شیعیان بوده است.**

از آغاز امامت امام علی (ع)، این دوره اولین باری است که شیعه دسترسی مستقیم به امام زمانش ندارد و باید به وسیله نایب تعیین شده از سمت امام با ایشان ارتباط بگیرد. از طرفی حکومت وقت به شدت و به طور گسترده ای به دنبال پیدا کردن امام و از بین بردن ایشان و همچنین دستگیر کردن اطرافیان شان و شیعیان بوده که این مسأله نیز سختی بیشتری برای شیعیان به بار آورده بود. خانم عترت اسماعیلی در اثر زیبایی خود به نام «حاء مشدد» سراغ این بازه زمانی سخت و حساس رفته است.

مخاطب با خواندن این اثر به سامرا و ابتدای دوران غیبت صغری و ایام پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) می رود. خاندان امام به خصوص حضرات حکیمه خاتون و حدیثه خاتون عمه و مادر امام حسن عسکری (ع)، که شخصیت های محوری این کتاب هستند، به شدت تلاش می کنند تا جان امام زمان (عج) و مادر بزرگوارشان حضرت نرجس خاتون حفظ شود. این دو با کمک برخی

از شیعیان قابل اعتماد، حکومت را از پیدا کردن آنان منحرف می کنند. نقش مهم این دو بزرگوار در آگاه سازی شیعیان و خارج کردن شان از سردرگمی و رفع شبهات نسبت به وجود امام زمان (عج) و ادامه امامت توسط ایشان در ابتدای دوران غیبت صغری به خوبی در این کتاب به تصویر کشیده شده است.

در طول کتاب با فلش بک هایی که نویسنده به خوبی در لابه لای روایت اصلی گنجانده است، ماجراهای مختلفی را از زندگی اهل بیت مانند تبعید امام هادی (ع) به سامرا، اسارت بانو ملیکا (نرجس خاتون) و آمدن ایشان به عراق و ازدواج شان با امام حسن عسکری نیز می خوانیم.

نویسنده همچنین از شخصیت های فرعی مختلفی برای بیان اتفاقات گوناگون استفاده کرده است. در ابتدای کتاب ممکن است تعدد شخصیت ها کمی باعث شلوغی داستان شود اما رفته رفته هر شخصیت جایگاه خودش را پیدا می کند و به خوبی می توان با آنها ارتباط گرفت؛ به خصوص شخصیت «لیلی» به خوبی از آب درآمده است و نسبت به باقی شخصیت ها نقش بیشتری را در کتاب ایفا می کند. از دیگر نکات مثبت این کتاب، وجود شخصیت های مختلف با اعتقادات مختلف چه از شیعیان و چه از بنی عباس در کتاب است که با هر کدام از آنها می توان فضا های مختلفی را تجربه کرد.

برای آشنایی بیشتر و بهتر با ابتدای دوران غیبت صغری و اوضاع آن موقع، خواندن این کتاب بسیار کمک کننده است. کتاب حاء مشدد یا «خ»، در ۱۴۲ صفحه نوشته شده و توسط انتشارات کتاب نیستان به چاپ رسیده است. ✚



مرکز رادیولوژی و سونوگرافی قائم ماهدشت
به یک کارشناس رادیولوژی خانم نیازمند است. (حقوق توافق)
۰۲۶۳۷۳۰۴۴۱۱

برگه کمپانی و سند رسمی مالکیت و برگ سبز خودرو پراید سفید روغنی مدل ۱۳۸۵ به شماره موتور 1469174 و شماره شاسی 51412285811170 و شماره پلاک ۴۶ ی ۶۷۳ ایران ۶۸ اینتخاب مهین خزائی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت خودرو رنو ساندرو رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۱۱ - ۵۶۷ ب ۲۸ و شماره موتور K4MC697-W039538 و شماره شاسی N4PB5RBYAJ1108081 بنام بهجت جزایری مقدس مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز ساینما مدل ۱۳۹۸ سفید روغنی شماره پلاک ۶۶۶ ص ۲۲ ایران ۷۶ شماره شاسی NAS831100K5883865 و شماره موتور M15/8778871 بنام سوزان نعمتی پرشکوه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند و فاکتور فروش خودرو چری TIGGO7-AT به شماره شاسی NATGBACR8K1006822 و شماره موتور 139B0295418 و شماره شاسی NAAN11FE6NK695326 بنام مدینه خالدی مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و برگ کمپانی خودرو پژو پارس tu5 رنگ سفید به شماره موتور 139B0295418 و شماره شاسی NAAN11FE6NK695326 و شماره پلاک ۷۹ س ۵۴۷ بنام مدینه خالدی مفقود و فاقد اعتبار می باشد.